

Unit 6 book 5

ارتفاع

ارتفاع یک مکان بلندی آن از سطح دریا است.
هوا در چنین ارتفاعات بالای کوه نازک بود.

خط ساحلی

خط ساحلی طرح کلی سواحل یک کشور است.
او متوجه شد که بیشتر شهرهای استرالیا در خط ساحلی هستند.

بازداشتن

بازدارندگی به معنای جلوگیری یا دلسرد کردن شخصی از انجام کاری است. جاده های یخی مردم را از رانندگی با اتومبیل باز می دارد.

تدبیر کردن

ابداع چیزی به معنای داشتن ایده یا برنامه ریزی درباره آن در ذهن است.
سارقان طرحی را برای سرقت الماس طراحی کردند.

تجربه و تخصص

تخصص دانش و مهارت انجام یک کار خوب است.
جان تخصص تبلیغات زیادی دارد. او می تواند هر چیزی را بفروشد!

شکست، شکستگی

شکستگی ترک یا شکستگی چیزی است. روی آن پا نایستید زیرا شکستگی وجود دارد. ممکن است بدتر شود.

مختل کردن

مختل کردن چیزی به معنای آسیب رساندن به آن یا بدتر کردن آن است.
نوشیدن قهوه توانایی خواب رفتن من را مختل می کند.

پیاده سازی

اجرای چیزی به معنای اطمینان از انجام برنامه ریزی شده است.
مدرسه تصمیم گرفت تا یک استراتژی جدید تدریس را اجرا کند

بومی

اگر چیزی بومی باشد، در اصل از محلی است یا بومی آن.
گوجه فرنگی ها بومی قاره آمریکا هستند.

بینش، بصیرت، درون بینی

بصیرت درک عمیق و دقیق چیزی است.
کتاب درسی فیزیک بینش جدیدی در مورد گرانش به دانش آموز داد.

اندام

اندام شاخه بزرگی روی درخت است.
میمون روی اندام درخت نشست و از یک تکه میوه لذت برد.

میگرن

میگرن سردردی دردناک است که فرد را بیمار می کند.
خواهرم هر وقت استرس زیادی داشته باشد میگرن می گیرد.

خوش بینی

خوش بینی احساس امیدواری نسبت به آینده یا موفقیت چیزی است.
مادر نسبت به آینده فرزندانش خوش بین بود.

عجیب و غریب

وقتی چیزی عجیب است ، به طرز بدی نا آشنا است.
آن بوی عجیب و غریب که از آشپزخانه می آید مرا به یاد تخمهای پوسیده می اندازد.

متبحر

وقتی شخصی در کاری تبحر دارد ، می تواند آن را به خوبی انجام دهد.
دبیران در تایپ سریع مهارت دارند.

جستجو

تلاش جستجوی طولانی و دشوار چیزی است.
شکارچی گنج در جستجوی یافتن یک گردنبند طلای باستان بود.

خط الراس

خط الراس قطعه ای باریک و بلند از زمین مرتفع است.
خرس قهوه ای در امتداد لبه یال کوه قدم زد.

همسر

همسر شخصی است که شخصی با او ازدواج کرده است.
من با همسر و دو فرزندمان در خانه ای زندگی می کنیم.

رانش

رانش یعنی فشار آوردن یا حرکت سریع چیزی با نیروی زیاد.
بوکسور مشت خود را به کیسه بوکس با فشار زده است.

تحمل کردن

تحمل چیزی به معنای توانایی پذیرش آن است حتی در صورت ناخوشایند بودن.
وقتی عجله دارید ، تحمل علائم راهنمایی و رانندگی سخت است.

جزیره

"من کجا هستم؟" باب وقتی از ساحل عجیب بیدار شد با خود فکر کرد. "نمی توانم به یاد بیاورم چه اتفاقی افتاده است."
طوفان سختی رخ داده بود و قایق ماهیگیری باب غرق شد. او در یک جزیره کوچک به ساحل شستشو داد ، اما هنگام طوفان آسیب دیده بود. میگرن وحشتناکی داشت و از ناحیه شانه شکستگی داشت. احساس افتضاحی کرد. اما او آرزوی شدیدی داشت تا خانه همسر و فرزندانش را بسازد. او مجبور بود همه درد را تحمل کند و نقشه ای بکشد.

باب ایستاد و به اطراف نگاه کرد. باب فکر کرد: "من به ارتفاع بالاتری می روم ، بنابراین می توانم همه چیز را در اطراف خود ببینم." "شاید من در مورد این جزیره اطلاعاتی کسب کنم و چیزی پیدا کنم که به من کمک کند تا فرار کنم." وقتی در امتداد یال کوه قدم می زد ، متوجه شد که درختان بلند بومی محکم و ضخیم به نظر می رسند. باب ایده درخشانی گرفت. او می توانست یک قایق بسازد! چند برگ و اندام درخت را قطع کرد. حتی اگر آسیب دیدگی شانه توانایی حمل مواد را مختل کرد ، او آنها را به آرامی از کوه پایین کشید تا به خط ساحلی رسید.

باب یک سازنده متبحر بود. او از تخصص ساختمان خود برای ردیف اندامها و گره زدن آنها به همراه انگورهای بلند استفاده کرد. وقتی قایق به پایان رسید ، باب از کار خود راضی بود. او با لبخند گفت: "این خانه ای خانواده من می آورد."

سرانجام ، باب آماده اجرای نقشه فرار خود بود. او با تمام وجود قایق را به داخل آب فرو برد. او بالا رفت و تلاش برای یافتن راه خود را به خانه آغاز کرد. باب دوباره لبخند زد و فکر کرد ، "خوشحالم که نگرش خوبی حفظ کردم. این مانع از آن شد که درد من را از برنامه من باز دارد. خوش بینی و جاه طلبی همه چیز را ممکن می کند." به آرامی ، او به دریا شناور شد. در عرض چند روز ، او خود را به ساحل رساند و به خانه دوید تا خانواده خوشبخت خود را ببیند.